

مبانی طبی، حقوقی و فقهی تعیین ارش ناتوانی جنسی در زنان

آسیب نخاعی

فرسیما خامسی پور^۱

آرشن قدوسی

سید مجید میر حسینی

مجتبی نیک دوستی

چکیده

تغییراتی که پس از آسیب نخاع ایجاد می‌شود، بر فعالیت جنسی تأثیرگذارند. از جمله مشکلات جنسی ایجاد شده بر اثر آسیب نخاعی در زنان، ناتوانی جنسی (سرد مزاجی زن) است. این مقاله به بررسی این موضوع و مبانی و مسائل پزشکی، حقوقی و فقهی آن پرداخته است. قانون‌گذار در خصوص زوال منافع و از جمله از بین رفتن لذت مقاربت زن یا مرد، صریحاً دادن ارش را لازم دانسته است. هم‌چنین بررسی منابع فقهی و توجه به دیدگاه‌های فقهی و استفتائات مربوطه مؤید لزوم تعیین ارش در این مورد می‌باشد. از آنجا که ناتوانی جنسی در زنان، معادل عَنَن در مردان است، لذا در مقایسه با مردان، می‌توان ارش ناتوانی جنسی در زنان را نصف دیه کامل زن و برابر یک چهارم دیه مرد، تعیین نمود. باید گفت در صورت اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه در خصوص منفعت زائل شده، چنان‌چه بر اساس مبانی پزشکی و حقوقی و فقهی پس از امتحان و آزمایش و مراجعه به کارشناسان پزشکی قانونی، منفعت زائل شده مشخص نشود، اثبات آن از طریق قسامه می‌باشد.

واژگان کلیدی

آسیب نخاعی، ناتوانی جنسی، ارش، زوال منافع، پزشکی قانونی

۱- دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان، ایران
Email: Farsima.Khamesipour@yahoo.com (نویسندهٔ مسؤول)

مقدمه

به دنبال آسیب نخاعی، اثراتی بر فعالیت جنسی شامل تاثیر بر نحوه تفکر در مورد جنسیت و نیز انجام اعمال جنسی ایجاد می‌شود. اکثر بررسی‌های انجام شده در مورد مشکلات جنسی ایجاد شده به دنبال آسیب نخاع، بر روی مردان صورت گرفته است ولی در حال حاضر تحقیقات جدیدی نیز بر روی زنان انجام شده و در حال بررسی است که نتایج آن می‌تواند در زمینه مسائل پزشکی، حقوقی و فقهی راه‌گشا باشد. از جمله تغییراتی که در زنان به دنبال آسیب نخاع ایجاد شده و تأثیرگذار بر فعالیت جنسی هستند، می‌توان به مواردی مانند کاهش میزان ترشحات مهبل و تأثیر بر رسیدن به اوج لذت جنسی، ایجاد تغییرات گسترده در شکل بدن و بارداری خطرناک اشاره نمود. مغز، مهم‌ترین اندام جنسی در انسان است و مغز است که لذت را احساس می‌کند^۱ (رئسی و احدی، ۱۳۹۰). طناب نخاعی، رابط میان مغز و دستگاه تناسلی است. سالم بودن قطعات نخاعی یازدهم پشتی تا دوم کمری، لازمه حفظ برانگیختگی روانی است. آسیب نخاعی سبب قطع راه‌های انتقال امواج عصبی می‌شود، لذا ورود به یک فعالیت جنسی طبیعی را برای زنان مشکل می‌کند^۲ (صفری‌نژاد، ۱۳۹۱).

ناتوانی جنسی در زنان (سرد مزاجی زن) معادل عنن روانی در مردان می‌باشد که گاه در اثر آسیب‌های نخاعی و موضعی و گاهی متأثر از آموزش و تربیت غلط در زنان شوهردار و حتی در مواردی انحراف جنسی محسوب می‌شود. ناتوانی جنسی در زنان، موجب می‌شود زن وظایف زناشویی خود را به نحو کاملاً مطلوب انجام ندهد، لذا نسبت به عنن در مردان که مرد را از انجام وظیفه‌ی زناشویی عاجز می‌کند، تأثیر کم‌تری در وضع زندگی جنسی زن دارد (گودرزی و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۸).

قانون‌گذار برای برخی از منافع زائل‌شده، صراحتاً ارش را پیش‌بینی نموده است. برای مثال بر اساس ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی، در موارد از بین رفتن قدرت انزال یا تولیدمثل مرد یا بارداری زن یا از بین رفتن لذت مقاربت زن یا مرد، دادن ارش لازم است. هم‌چنین به موجب ماده ۷۰۷ قانون مذکور، از بین بردن کامل قدرت مقاربت، موجب دیه کامل است.

بر این اساس، آنچه محل بحث است تعیین ارش ناتوانی جنسی در خصوص زنان می‌باشد؛ زیرا بسیاری از افراد توانایی جنسی را به معنای بروز حالت نعوظ می‌دانند که خاص مردان است، لذا برای زنان توانایی جنسی قائل نیستند و مسأله ناتوانی جنسی زنان را که معادل عنن در مردان است نمی‌پذیرند. به همین دلیل در صورت تقاضای خسارت در مورد زوال منفعت ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی، دادگاه عمومی این ادعا را رد می‌کنند. لذا دادگاه تجدیدنظر مسأله را به کارشناسان ارجاع می‌دهد و با جلب‌نظر آنها در خصوص وجود ناتوانی جنسی در زن و مقایسه ناتوانی جنسی زنان با عنن در مردان و نیز در مورد تعیین ارش، نسبت به صدور حکم اقدام می‌کند (گودرزی و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۸). به علاوه، باید دید در صورت حدوث اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه در خصوص زوال منفعت توانایی جنسی زن به دنبال آسیب نخاع، تکلیف چیست و چگونه می‌توان این مسأله را در مورد زن اثبات نمود.

در این نوشتار، سعی بر آن است تا ضمن بررسی این مسأله از دیدگاه‌های پزشکی، حقوقی و فقهی و نیز با استفاده از مستندات قانونی و نظریه‌های فقهی مربوطه، نحوه تعیین ارش ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی، تبیین گردد.

الف) مبانی پزشکی

از دیدگاه پزشکی، یکی از مهم‌ترین مشکلات مردان و زنان به دنبال ابتلا به آسیب طناب نخاعی، اختلالات عملکرد جنسی است. اثرات آسیب نخاعی روی پاسخ‌های جنسی بستگی به درجه آسیب و محل آن در نخاع و نیز جنس فرد دارد. عملکرد جنسی در مردان آسیب نخاعی معمولاً مشکلات بیش‌تری هم‌چون اختلالات نعوظی، اختلالات انزالی و اختلالات در رسیدن به ارگاسم را به همراه دارد (سروش، مدیریان، زمانی و عطاری، ۱۳۸۷، صص ۲۲-۳۵). لیکن اصولاً ناتوانی جنسی در زن معنای علمی دقیقی ندارد - برعکس این مورد در مردان؛ زیرا در مردان عدم‌توانایی در برقراری رابطه جنسی یا قدرت باروری کاملاً از نظر پزشکی قابل اثبات است، ولی در مقابل در زنان قابل اثبات نیست.

در بررسی‌های انجام‌شده، تغییرات و عوارضی به دنبال آسیب به نخاع در زنان ملاحظه شده است که بر فعالیت جنسی آن‌ها مؤثر می‌باشند. ذیلاً به شرح برخی از آن‌ها پرداخته شده است:

۱- **لغزنده شدن مهبل:** در بسیاری از زنان آسیب نخاعی، مشکلاتی در لغزنده‌شدن مهبل به وجود می‌آید. این مشکلات شامل مرطوب شدن مهبل و حفظ لغزندگی آن است. در طی نزدیکی، مهبل نرم‌تر و مرطوب می‌شود. برای به وجود آمدن این حالت دو مسیر وجود دارد که این دو مسیر معمولاً باهم کار می‌کنند. یکی از طریق عصبی و دیگری از طریق روانی. نوع عصبی از طریق رفلکس اعصاب ناحیه خارجی انجام می‌شود. این نوع لغزندگی توسط تحریک مستقیم داخل مهبل یا تحریک درونی؛ مثلاً در هنگام پر بودن مثانه ایجاد می‌شود. لغزنده‌شدن روانی در اثر دیدن یا وجود عامل تحریک‌کننده جنسی دیگر به وجود می‌آید. مغز دستوراتی را به مرکزی در ناحیه بین نخاع پستی و کمری

می‌فرستد و از این ناحیه از نخاع دستورات به مهبل رفته و باعث لغزنده‌شدن می‌شود. بنابراین، برای آن که از این طریق لغزنده‌شدن انجام شود باید مسیر اعصاب از مغز تا نخاع سالم باشد. در صورت ناقص بودن آسیب نخاع ممکن است این مسیر سالم بماند یا قطع شود (رئسی و احدی، ۱۳۹۰).

۲- توانایی رسیدن به حداکثر لذت جنسی: آسیب دیسک بین مهره‌های کمری و ستون فقرات، بر روی رسیدن به اوج لذت جنسی زنان (ارگاسم) تأثیر دارد. قبلاً تصور می‌شد که در صورت آسیب نخاع، رسیدن به مرحله حداکثر لذت جنسی امکان‌پذیر نیست اما تحقیقات نشان داده است که این تصور غلطی است و بسیاری از افراد آسیب نخاعی به مرحله لذت جنسی می‌رسند، اگرچه ممکن است کیفیت و مدت ارگاسم تفاوت داشته باشد اما این مرحله برای افراد آسیب نخاعی قابل دسترسی است. برخی افراد ذکر می‌کنند که پس از آسیب نخاع برای رسیدن به این مرحله نیاز به مدت و تحریک بیش‌تری دارند^۳ (رئسی و احدی، ۱۳۹۰).

(ب) مبانی حقوقی

در بررسی حقوقی این مسأله، در خصوص لزوم تعیین ارش ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی، صریحاً در ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی، زوال لذت مقاربت زن، مستلزم ارش است.^۴ در مورد عیوب ناشی از قطع نخاع نیز ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی تبیین گردیده است.^۵ در ادامه، به بررسی نحوه تعیین ارش توسط پزشکی قانونی و شرح زوال منافع مذکور در ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی و تعیین ارش آن‌ها پرداخته می‌شود. به علاوه، چگونگی تشخیص و اثبات ارش زوال منافع به همراه مستندات قانونی مربوطه، تبیین می‌گردد.

۱- پزشکی قانونی و تعیین ارش

یکی از وظایف مهم پزشکی قانونی، تعیین ارش یا حکومت است. در هر مورد که مقدار دیه شرعاً تعیین نشده است، باید ارش؛ یعنی تفاوت صحیح و معیوب اجزا و اعضای بدن با ملاحظه تمام خصوصیات تعیین گردد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۳، صص ۴۹-۷۲). مفهوم ارش که در مباحث جزائی و در بخش دیات قانون مجازات اسلامی به کار رفته است، در جایی است که برای عضو مصدوم یا مجروح، دیه خاصی تعیین نشده است (ابوعطا و شمس‌الهی، ۱۳۹۰، ص ۱۱). در مواردی که دیه مشخصی برای برخی از اعضای بدن و نیز برای بعضی از صدمات و جراحات تعیین نشده است، قاضی از پزشکان قانونی درخواست تعیین ارش می‌نماید و چگونگی انجام این کار یکی از مسائل و مشکلات دادگستری‌ها و مراکز پزشکی قانونی است. هم‌چنین از آنجا که کارشناسی در مورد ارش و دیه بر اساس قانون مجازات اسلامی (دیات) منحصر به کشور ماست، لذا استفاده از منابع علمی معتبر و بین‌المللی، بر خلاف سایر رشته‌های تخصصی پزشکی، برای پزشکان قانونی جهت تعیین خسارت عیناً امکان‌پذیر نیست (شیخ‌آزادی و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۲۲-۳۵).

در خصوص زوال منافع مذکور در ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی نیز تعیین ارش لازم است که این منافع بدین شرح می‌باشد:

- ۱- از بین بردن قدرت انزال: جنایتی که موجب از بین رفتن قدرت انزال شود؛ یعنی بر اثر ضربه وارد شده، بدون این‌که جای دیگری معیوب شود، فرد قدرت انزال را از دست بدهد.
- ۲- از بین بردن قدرت تولیدمثل مرد: در صورتی‌که مرد بر اثر ضربه وارد آمده، قدرت آبستن کردن همسرش را از دست بدهد.

۳- از بین بردن قدرت بارداری زن: در صورتی که زن بر اثر ضربه وارد شده قدرت بارداری خود را از دست بدهد.

۴- از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد: اگر ضربه وارد شده موجب شود که شخص مصدوم نتواند از مقاربت لذت ببرد، ولی مقاربت انجام شود، در این صورت ارش دارد. اما اگر ضربه باعث عدم امکان مقاربت مرد و زن با یکدیگر شود، در این صورت دیه کامل دارد (صالحی، ۱۳۳۲) که در ماده ۷۰۷ قانون مجازات اسلامی تبیین گردیده است.^۶

در این جا پزشکی قانونی توسط کارشناسان و متخصصین با آزمایش و بررسی تفاوت عضو صحیح و عضو مصدوم و جنایت دیده، مقدار دیه و جریمه آن را تعیین و مشخص می کند (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۳، صص ۴۹-۷۲). این موضوع در مواد ۴۴۹، ۵۵۹ و ۵۶۲ از قانون مجازات اسلامی تبیین گردیده است.^۷

لذا با توجه به وظیفه علمی کارشناسان پزشکی قانونی که اظهار نظر کارشناسی در مقابل سؤال دادگاه هاست، بسته به سؤال دادگاه، پاسخ لازم را تهیه و اعلام می کنند. در صورتی که سؤال در مورد میزان درصد ارش نسبت به دیه کامل باشد، میزان درصد تعیین می شود و اگر سؤال در مورد میزان ریالی ارش باشد، خسارت ریالی را معین می نمایند (گودرزی و کیانی، ۱۳۹۱، صص ۲۳۶).

همچنین در خصوص تعیین ارش صدمات وارد بر اعضا، به موجب یکی از استفتائات آیت الله مکارم شیرازی، در مواردی ارش نسبت به عضو محاسبه می شود که تنها ضرری به عضو وارد شده باشد، لکن در صورت عدم ورود ضرر به کارایی عضو، بلکه رساندن یک زیان کلی به بدن، ارش می بایست نسبت به دیه کامل محاسبه گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۴۷۱، استفتاء ۱۲۴۳). لذا ارش زوال

توانایی جنسی نیز نسبت به دیه کامل محاسبه می‌گردد و میزان آن به شرح زیر می‌باشد.

بر این اساس، در خصوص زوال منافع مذکور در ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی، میزان ارزش از بین رفتن قدرت انزال، معادل یک سوم دیه کامل، ارزش از بین رفتن قدرت تولید مثل، معادل یک دیه کامل و ارزش از بین رفتن لذت جنسی، معادل دو سوم دیه کامل در نظر گرفته شده است. لیکن در صورتی که لذت جنسی و انزال متعاقب آن، به عنوان یک عمل فیزیولوژیک مستقل در نظر گرفته شود، ارزش زوال لذت جنسی معادل قطع عصب (فلج عضو) دوسوم ارزش عضو و عدم انزال شامل بقیه آن تا ۱۰۰ درصد، یعنی یک سوم ارزش عضو می‌باشد. اگر عدم انزال باعث عقیم شدن فرد گردد، تا یک دیه کامل ارزش دارد (گودرزی و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۸).

آنچه در مراکز پزشکی قانونی به طور معمول در خصوص تعیین ارزش ناتوانی جنسی - و به عبارت بهتر کاهش توانایی جنسی - در زن اعمال می‌گردد، آن است که مثلاً در مورد آسیب نخاعی و از بین رفتن سایر منافع نظیر عدم کنترل ادرار و مدفوع که ریشه عصبی مشابهی با ناحیه تناسلی دارد، فرض بر این گذاشته می‌شود که با توجه به شدت آسیب، احتمالاً آسیب توانایی جنسی نیز رخ داده است. در این موارد نظر به عدم قابل اثبات بودن مسأله، با توجه به قسامه برای آسیب ایجاد شده ارزش تعیین می‌شود.

۲- بررسی نحوه احراز آسیب‌های نامحسوس و اثبات ارش زوال

منافع

تشخیص و احراز آسیب‌های نامحسوس مانند آسیب نامحسوس به عقل و حافظه و حس شنوایی، بینایی، بویایی و چشایی نیز از جمله کارهای مهم پزشکی قانونی است که اغلب مورد ادعای مصدوم یا اولیای وی و انکار مجرم است. در پزشکی قانونی، کارشناسان و پزشکان متخصص به معاینه و آزمایش برای تشخیص و احراز آسیب‌ها می‌پردازند و در صورت محرز شدن آسیب، مقدار آن را تعیین می‌کنند. در فقه اسلامی، داوری در این‌گونه اختلافات به پزشکان متخصص عادل واگذار شده است. به عنوان نمونه چنان‌چه در مورد از بین رفتن یا نقصان عقل، حس شنوایی، بینایی، بویایی و چشایی شخص میان مجرم و ولی شخص مورد جنایت اختلاف پیش آید، تشخیص آن از نظر فقه اسلامی با پزشکان متخصص است و احتیاط این است که با تشخیص چند طبیب عادل باشد. ممکن است شخص را درحالی که با خود خلوت کرده و در غفلت به سر می‌برد مورد آزمایش قرار داد و در صورتی که که زوال یا نقصان عقل توسط متخصص یا آزمایش تشخیص داده نشد، دلیل، گفته متهم است با سوگند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۳، صص ۴۹-۷۲). در این خصوص، مقررات نحوه اثبات ارش زوال منافع، به شرح مذکور در مواد ۴۵۶، ۴۵۹ و ۶۷۱ از قانون مجازات اسلامی می‌باشد.^۸

(ج) مبانی فقهی

در بحث فقهی مسأله ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی و تعیین ارش آن، ضمن بررسی قواعد فقهی مرتبط، به شرح این مسأله از دیدگاه فقهی و بررسی

نحوه اثبات زوال منافع با توجه به نظریات فقهی مختلف و استفتائات مربوطه، پرداخته شده است.

۱- بررسی قاعده دیه اعضا و ارش و شمول یا عدم شمول آنها

نسبت به منافع

قاعده دیه اعضا عبارت است از: «کل ما فی الانسان اثنان ففیهما الدیه و فی احدهما نصف الدیه و ما کان واحداً ففیه الدیه» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۷). از آنجا که مراد از منافع، معنای عام آن است که هم اموری چون چشایی و شنوایی و غیره را که از زمره حواس اند، شامل می‌شود و هم اموری چون تکلم، خواب، شیردادن، قدرت باروری و غیره - که از زمره حواس به شمار نمی‌روند.

سوآلی که در این جا مطرح می‌شود این است که: آیا می‌توان چنین گفت که چون منافع یادشده هرکدام در انسان، امر واحد هستند، از بین بردن آنها موجب دیه کامل است یا این قاعده، خاص اعضا است؟

در فقه امامیه، در این زمینه، دو عقیده دیده می‌شود. برخی از قدما و معاصرین که از آنها به «موافقین» تعبیر می‌کنیم این قاعده را شامل منفعت شمرده و از بین بردن آنها را موجب دیه کامل می‌دانند. مستند نظر موافقین، مبنی بر شمول قاعده نسبت به منافع، عموم روایت صحیحه هشام بن سالم^۹ است. این روایت را هشام از امام صادق (ع) نقل می‌کند. هم‌چنین، واژه (کل ما) و (ما کان) عام بوده، شامل منافع نیز می‌شود.

در مقابل، عده‌ای دیگر این قاعده را در زمره منافع ندانسته‌اند، بلکه از بین بردن منافع را موجب ارش می‌دانند، مگر این که برای از بین بردن منفعت، دلیل خاصی وجود داشته باشد. از این عده، به «مخالفین» یاد می‌شود. مستند نظر

مخالفین نیز این است که گرچه در روایت به صراحت از (عضو) صحبت نشده است و واژه‌های (کلّما...) و (ما) نیز عمومیت دارد، اما متبادر از آن‌ها «عضو» است؛ با این استدلال که واژه‌های «اثان» و «واحد» بر آن دلالت دارند که مراد از (ما کان فی الانسان) عضو است و نه منفعت؛ لذا این فقط در مورد اعضاست که احتمال یکی بودن یا جفت بودن در انسان را دارد، ولی در خصوص منفعت چنین احتمالی وجود ندارد. در نتیجه، این حدیث شامل منافع نمی‌شود و منافع مشمول قاعده ارش و حکومت می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد حق با مخالفین است و این قاعده شامل منافع نمی‌شود و آنچه ادعای مخالفین را تأیید می‌کند، علاوه بر انصراف صحیح هاشم از منافع، آن است که منافع متعدد و مختلفی برای انسان وجود دارد. بنابراین، منافع، مشمول قاعده دیه اعضا نمی‌شوند، بلکه مشمول قاعده ارش هستند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۳، صص ۱۳۷-۱۶۸). قاعده ارش عبارت است از: «کلّ جنایه لا مقدر لها فیها ارش»: بر هر جنایتی که دیه‌اش معین نشده، ارش تعلق می‌گیرد (بندرچی، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۱۶).

۲- بررسی زوال منافع مربوط به توانایی جنسی در منابع فقهی و

ارش آن

برخی فقها در خصوص زوال منافع مربوط به توانایی جنسی، نظریاتی مطرح نموده و به بررسی آن پرداخته‌اند. از برخی فقها در این خصوص چنین نقل شده است: ^{۱۰} «بنابه گفته بعضی، قدرت بر انزال است که اگر جنایتی بر کسی وارد آید که از انزال نطفه‌اش عاجز گردد، جانی باید خون‌بهای او را بدهد، و هم‌چنین است اگر در اثر جنایت از آبستن کردن همسرش ناتوان شود (مثلاً نطفه‌اش قابلیت فرزند شدن را از دست بدهد) و هم‌چنین است اگر در اثر جنایت، دیگر از جماع

لذت نبرد. ولی در همه این‌ها اشکال هست و اقرب حکومت است، بله، در جنایتی که سبب قطع شدن اصل جماع و برنخاستن آلت مرد شود، احتیاط ترک نشود» (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۳).

در بررسی متن فوق، مشارالیه چهار فرع را متذکر شده است: فرع اول، این است که کسی را ترساندیم و در اثر ترس، برای این آدم انزال امکان‌پذیر نیست. فرع دوم، این است که انزال دارد، اما نطفه‌اش بچه‌زا نیست و نمی‌تواند زن را آبستن کند. فرع سوم، این است که از جماع خود لذت نمی‌برد؛ یعنی انزال دارد، ولی از جماع خود لذت نمی‌برد. فرع چهارم، انقطع جماعه، یعنی نعوذ ندارد.

بنابراین، چهار مسأله داریم: در اولی انزال نیست. در دومی احتمال نیست؛ یعنی نمی‌تواند زن را آبستن کند. در سومی لذت نیست. در چهارمی قدرت بر جماع نیست (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۰، ص ۵۹۲). آن‌چه در این جا محل بحث است، فرع سوم می‌باشد. در این جا، جانی در اثر ضربه‌ای که بر مجنی‌علیه وارد کرده، لذت جماع را از او گرفته است؛ یعنی شخص هم انزال دارد و هم احتمال، ولی از جماع خود لذت نمی‌برد؛ به عبارت دیگر، جماع برای او مانند ادرار کردن است و لذت را از بین برده است. ایشان در این جا می‌فرماید که دیه کامل تعلق می‌گیرد. لکن به اعتقاد آیت‌الله سبحانی، دیه کامل بعید است، زیرا هیچ نوع دیه برای آن نداریم، مگر این که بگوییم روایت عبدالله بن سنان و هشام بن سالم، حتی لذت جماع را هم در برمی‌گیرد^{۱۱} (سبحانی، ۱۳۹۱).

در این خصوص، به موجب یکی از استفتائات، علاوه بر دیه شکستن ستون فقرات، دیه زوال منافی نظیر زوال توانایی جنسی فرد، که به دنبال شکستگی ستون فقرات در وی ایجاد شده است نیز باید توسط جانی به مجنی‌علیه پرداخت شود (صانعی، ۱۳۸۶، ج ۲، استفتاء ۱۷۴۰).

همچنین به موجب یکی از استفتائات در خصوص دیه قطع نخاع، آیت‌الله مکارم شیرازی معتقدند که نسبت به آثار مترتب بر قطع نخاع مانند عدم قدرت بر مواقعه، هرکدام یک دیه کامل دارد و نسبت به قطع نخاع، احتیاط را مصالحه بین دیه کامل و ارش می‌دانند (قوة قضائیه، ۱۳۹۱، ص ۷، استفتاء ۸۱۴۱). بنابراین، توجه به مباحث فوق‌الذکر، مؤید لزوم تعیین ارش در خصوص زوال منافی هم‌چون از بین رفتن توانایی جنسی فرد به دنبال آسیب نخاع می‌باشد.

۳- تبیین مسائل مرتبط با زوال منافع و اثبات ارش آن در منابع

فقهی

در صورت اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه، به این صورت که جانی بگوید عقل او، نه زائل شده و نه نقصان پذیرفته و ولی مجنی‌علیه بگوید زائل شده یا ناقص گشته، مرجع تشخیص، اطباء اهل خبره‌اند و در اعتبار قول اهل خبره بنابر احتیاط، هم عدالت معتبر است و هم این که دو نفر باشند. هم‌چنین امکان دارد مردم عادی او را آزمایش کنند، یعنی حال خلوت و غفلت او را زیر نظر بگیرند که ببینند کار عقلا را می‌کند یا کار دیوانگان را. اگر ثابت شد که اختلال پیدا کرده که همان است و در صورتی که وصف آن، نه از طریق اهل خبره (به دلیل این که مثلاً آن‌ها نظریات مختلف دادند) و نه از طریق آزمایش، روشن نشود، در این جا قول قول منکر است که همان جانی باشد. او سوگند یاد می‌کند و حاکم به نفع وی حکم می‌کند. اگر جانی، منکر از بین رفتن شنوایی مجنی‌علیه شود یا ادعا کند که من یقین به این معنا ندارم، مجنی‌علیه را می‌آزمایند؛ یعنی نخست او را سرگرم و غافل می‌سازند، آن گاه با صدای مهیبی او را صدا می‌زنند یا با نظیر رعد آسمان او را امتحان می‌کنند که ببینند آیا متوجه آن صدا می‌شود یا خیر. اگر ادعای او

محقق شود، دیه را به او می‌دهند. هم‌چنین ممکن است برای روشن شدن وضع به کارشناس متخصص گوش مراجعه کنند. البته به شرطی که مورد وثوق آنان باشد و احتیاط در تعدد متخصص و عدالت آن دو است و اگر وضع او روشن نشود، از مدعی قسامه می‌خواهند، چون مورد از موارد لوث^{۱۲} است و اگر او حاضر نشود، از منکر مطالبه می‌کنند و طبق قسامه حکم می‌شود (خمينی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰).

«دیه جنایاتی که بر اعضاء زن وارد می‌شود مساوی با دیه جنس مرد است، تا برسد به یک سوم خون‌بهای مرد؛ همین که از آن تجاوز کند، دیه جنایتش نصف دیه جنایت بر مرد خواهد بود، چه این که جانی بر زن از جنس مردان باشد یا زنان که بنابر اقوی فرق نمی‌کند.

هر عضوی از اعضاء مرد، که دیه‌اش از ناحیه شرع معین شده؛ مانند دو دست و دو پا و منافع و جراحات، از آن زن نیز همان دیه را دارد. هم‌چنین از مرد ذمی و زن ذمیه؛ هر موضعی که دیه‌اش برایش از شرع نرسیده و در آن حکم به ارش یا حکومت می‌شود، پس منظور از این دو یک چیز است و منظور این است که مجروح را برده فرض می‌کنند، آن‌گاه در حال سلامت و صحت او را قیمت می‌کنند و در حال جنایت دیدن نیز قیمت می‌شود و قیمت دوم را با قیمت اول نسبت می‌سنجند وقتی تفاوتی و نسبت معلوم شد از دیه نفس به همان حساب گرفته می‌شود، و ما در سابق می‌گفتیم که اگر به حسب قیمت تفاوتی نبود و یا قیمت جنایت دیده‌اش بیشتر بود مثل اینکه در اثر جنایت انگشت زیادی مجنی‌علیه قطع شود که وجود آن نقص است و قطع آن قیمت او را بالا می‌برد، در این‌گونه موارد حکومت معنایی دیگر دارد و آن عبارت است از حکم قاضی به مصالحه و در صورت مصالحه نکردن حکم به تعزیر است یا حکم دیگری که نزاع را از بین ببرد». (الموسوی الخمينی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵).

مشهور میان فقهای شیعه این است که مرد و زن در دیه و قصاص اعضا و جراحات با یکدیگر مساوی هستند تا آن‌گاه که میزان دیه به یک سوم دیه کامل مرد برسد. در این صورت دیه زن به نصف کاهش می‌یابد. اما مسأله تساوی ارش با دیه مقدره مطرح نشده است. لیکن در این خصوص رأی وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۸۴ در مورد تعیین ارش و تنصیف ارش زن در صورت رسیدن به یک سوم دیه کامل مرد، مبنی بر عدم تفاوت ارش با دیه و تنصیف دیه زن اعم از دیه مقدره و دیه غیرمقدره است و ملاک تنصیف، جمع دیه و ارش (صدمات وارده به اعضای مختلف در اثر ضربه واحد) در صورت مازاد بر ثلث دیه کامل مرد می‌باشد. در نتیجه، در این مسأله، ارش با دیه همسان است و ارش صدمات و جراحات وارد به زنان در صورتی که به یک سوم دیه کامل مرد برسد، به نصف کاهش پیدا می‌کند.

در خصوص عدم تأثیر جنسیت در کم‌تر از ثلث دیه کامل مرد و تأثیر آن در ثلث و بیش‌تر از آن، استفتائاتی نیز مطرح شده است (مرعی شوشتری، ۱۳۸۵، صص ۱۷-۲۹؛ جورکویه، ۱۳۸۵، صص ۳۰-۴۰). به اعتقاد آیت‌الله مکارم شیرازی مقدار ارش زنان مانند دیه آنان اگر بیش از ثلث کل دیه مرد شود، به نصف تقلیل می‌یابد و این حکم را در مورد ارش نیز جاری می‌دانند (مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور کیفری، ۱۳۸۱، ص ۲۹۰، استفتاء ۵۰۳۲). هم‌چنین بر اساس یکی از استفتائات، ملاک تعیین ارش، نظر کارشناس خبره است و نیز تفاوتی بین ارش زن و مرد وجود ندارد (صانعی، ۱۳۸۶، ج ۱، استفتاء ۱۸۸۸). بنابراین، از دیدگاه فقهی نیز در صورت حدوث اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه در خصوص زوال منافع، چنان‌چه بر اساس موارد فوق‌الذکر از جمله امتحان و آزمایش و مراجعه به اهل خبره، منفعت زائل‌شده مشخص نشد، در صورت تحقق لوث، ارش آن از طریق قسامه

قابل اثبات می‌باشد. هم‌چنین در خصوص ارش زوال منافع، میان زن و مرد تفاوتی نیست و تشخیص آن بر عهده اهل خبره است.

۴- دیدگاه فقها در مورد نحوه اثبات قول مجنی‌علیه در خصوص

زوال منافع

همان‌گونه که بیان شد، گاهی میان جانی و مجنی‌علیه در خصوص زوال منافع اختلاف ایجاد می‌شود. به این صورت که مجنی‌علیه می‌گوید که منفعت در وی زائل شده است، ولی زوال منفعت در مجنی‌علیه مورد پذیرش جانی نمی‌باشد. حال چگونگی حل این اختلاف و هم‌چنین این که آیا اثبات ارش زوال منافع با قسامه نیز قابل اثبات است یا خیر، محل بحث است. لذا در این جا، دیدگاه برخی فقها در خصوص نحوه اثبات قول مجنی‌علیه و ثبوت ارش مربوطه مطرح می‌گردد.

دیدگاه آیت‌الله خمینی (ره): در خصوص دیه ذهاب قوه شامه و ذائقه، می‌فرماید: برای اثبات قول مجنی‌علیه دو راه وجود دارد. یکی این که سراغ ابزار و ادوات جدید برویم؛ یعنی با دستگاه جدید امتحان و آزمایش کنیم که آیا واقعاً شم و بویایی او کم شده یا نه. سپس می‌فرماید اگر این راه برای ما منتج نشد، ناچاریم که سراغ قسامه برویم، چون اصل مسأله محل بحث است که آیا کم شده یا کم نشده. لذا میزان در قسامه این است که اصل مسأله مورد بحث باشد، مجنی‌علیه مدعی است که کم شده، ولی جانی می‌گوید کم نشده، آیت‌الله خمینی می‌فرماید سراغ ایمان می‌رویم (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۰، ص ۵۹۱).

دیدگاه صاحب کشف اللثام: مرحوم صاحب کشف اللثام می‌گوید باید در

درجه اول امتحان کنیم، اگر امتحان راهش مسدود شد، باید قول مجنی‌علیه را بگیریم، چون راه دیگری نیست (فاضل هندی، ۱۴۲۴، ص ۴۱۹).

دیدگاه مرحوم محقق: در عین حال که صاحب کشف اللثام قبول دارد که قول مجنی‌علیه را بگیریم، اما مرحوم محقق می‌گوید: (قیل) یعنی گفته شده است که این جا، جای قسامه است معلوم می‌شود که مرحوم محقق در عمل به قسامه در اینجا مردّد است (محقق حلی، ۱۳۶۷، صص ۱۰۴۰-۱۰۴۱).

دیدگاه صاحب جواهر: صاحب جواهر می‌گوید معلوم است که ایشان چرا (قیل) گفته، به جهت این که قول مجنی‌علیه که مدعی است و قبول قول مدعی خلاف قاعده است. خرج‌النفس، در آن جایی که ولی‌الدم قسم می‌خورد را قبول می‌کنیم، اما در غیر دم و در غیر مورد متیقن، قول مدعی را قبول نمی‌کنند، بلکه به قاعدهٔ بالا رجوع می‌کنند که الأصل برائة ذمه الجانی، این فرمایش صاحب جواهر است در تأیید قول محقق (النجفی، ۱۴۰۴، صص ۳۰۹-۳۱۰).

دیدگاه آیت‌الله سبحانی: به اعتقاد ایشان، اگر قسامه را در این جا قبول نکنیم، اولاً باید در کلیهٔ مسائل دیگر هم که منافع بود، قبول نکنیم. ثانیاً عرف القای خصوصیت می‌کند، جایی که در اشد قبول کردیم که نفس باشد، در این جا باید به طریق اولی در اضعف قبول کنیم^{۱۳} (سبحانی، ۱۳۹۱).

دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی: به موجب یکی از استفتائات ایشان، ارش با قسامه قابل اثبات است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۳۵، استفتاء ۱۵۵۹). هم‌چنین بر اساس یک استفتاء دیگر، در مورد جراحات یا عواملی غیر از جراحات که سبب ارش است، مشروط بر این که ارش قابل‌ملاحظه‌ای باشد، قسامه ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۰۹، استفتاء ۱۰۶۲).

هم‌چنین در یکی از استفتائات، در خصوص امکان اجرای قسامه در مورد ضرب بدون جراحی، از دیدگاه آیت‌الله جعفر سبحانی، قسامه در مورد قتل و جرح است. آیت‌الله موسوی اردبیلی در این خصوص معتقدند که ضرب بدون جراحی

که موجب زوال برخی از منافع اعضاء انسان شود، دیه آن با قسامه قابل اثبات است. لیکن به اعتقاد آیت‌الله حسین نوری همدانی، در این خصوص قسامه جاری نمی‌شود (قوه قضائیه، ۱۳۹۱، ص ۷، استفتاء ۸۱۷۳).

با عنایت به دیدگاه‌های فقهی مطرح‌شده در این زمینه، اثبات ارش زوال منافع، از طریق قسامه نیز ممکن است، لذا در صورت فقدان ادله دیگر و عدم امکان تشخیص منفعت زائل‌شده از طریق آزمایش و طرق دیگر که تبیین گردید، می‌توان از قسامه در جهت حل اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه استفاده نمود و از این طریق، قول مجنی‌علیه در خصوص منفعت زائل‌شده را اثبات کرد.

نتیجه

با توجه به موارد مذکور بر اساس مبانی پزشکی، حقوقی و فقهی مسأله ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی و طبق بررسی‌های انجام‌گرفته در مواد قانونی و قواعد فقهی، از آن جا که لزوم تعیین ارش در خصوص زوال لذت مقاربت زن در ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی، صریحاً ذکر شده است، چنین برمی‌آید که ناتوانی جنسی زن، معادل عنن مرد است و بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد در موارد عدم پذیرش این مسأله توسط دادگاه و حدوث اختلاف میان پزشکان قانونی و قضات، میزان ارش ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی، در مقایسه با مردان، نصف دیه کامل زن و برابر یک چهارم دیه مرد تعیین شود. هم‌چنین در موارد ایجاد اختلاف میان جانی و مجنی‌علیه در خصوص زوال منفعت توانایی جنسی زن به دنبال آسیب نخاعی، با استناد به مواد ۶۷۱ و ۴۵۹ قانون مجازات اسلامی، چنان‌چه پس از بررسی مسأله بر اساس رویه قضایی و پزشکی و فقهی و عدم امکان آزمایش و اختبار موجب علم و نیز فقدان ادله دیگر مانند اقرار، بینه، علم

قاضی و جلب نظر کارشناس، باز هم منفعت زائل شده ثابت نشود، در صورت تحقق لُوث، اثبات ادعای مجنی علیه و نیز اثبات ارش مربوطه، از طریق قسامه توسط مجنی علیه به شرح مذکور در ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی می باشد.

پی نوشت ها

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: رئیسی، غلامرضا؛ احدی، طناز. مسایل جنسی پس از آسیب نخاع. قابل دسترس در: <http://rehab.blogfa.com/post/204> (تاریخ مراجعه ۲۴ آبان ۱۳۹۰).
۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: صفری نژاد، محمدرضا. عملکرد جنسی زنان پس از آسیب به نخاع. قابل دسترس در: <http://www.7sib.ir/fa/print/1998> (تاریخ مراجعه ۲۷ تیر ۱۳۹۱).
۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: رئیسی، غلامرضا؛ احدی، طناز. مسایل جنسی پس از آسیب نخاع. قابل دسترس در: <http://rehab.blogfa.com/post/204> (تاریخ مراجعه ۲۴ آبان ۱۳۹۰).
۴. ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: از بین بردن قدرت انزال یا تولیدمثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب ارش است.
۵. ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود، حسب مورد دیه یا ارش آن عضو بر دیه نخاع افزوده می‌شود.
۶. ماده ۷۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: از بین بردن کامل قدرت مقاربت، موجب دیه کامل است.
۷. ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: ارش، دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.
- ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هرگاه در اثر جنایت صدمه‌ای بر عضو یا منافع وارد آید چنانچه برای آن جنایت در شرع دیه مقدر یا نسبت معینی از آن به شرح مندرج در این قانون مقرر شده باشد مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده ارش آن قابل مطالبه است.
- ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: در موارد ارش فرقی میان زن و مرد نیست لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضاء و منافع زن نباید بیش از دیه اعضاء و منافع او باشد، اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد.
۸. ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: در جنایت بر اعضاء و منافع اعم از عمدی و غیرعمدی در صورت لوٹ و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، مجنی‌علیه می‌تواند با اقامه قسامه به شرح زیر، جنایت مورد ادعا را اثبات و دیه آن را مطالبه کند. لکن حق قصاص با آن ثابت نمی‌شود. الف- شش قسم در جنایتی که دیه آن به مقدار دیه کامل است. ب- پنج قسم در جنایتی که دیه آن پنج ششم دیه کامل است. پ- چهار قسم در جنایتی که دیه آن دو سوم دیه کامل است. ت- سه قسم در جنایتی که دیه آن یک دوم دیه کامل است. ث- دو قسم در جنایتی که دیه آن یک سوم دیه کامل

است. ج- یک قسم در جنایتی که دیه آن یک ششم دیه کامل یا کمتر از آن است. تبصره ۱- در مورد هر یک از بندهای فوق در صورت نبودن نفرات لازم، مجنی علیه، خواه مرد باشد خواه زن، می تواند به همان اندازه قسم را تکرار کند. تبصره ۲- در هر یک از موارد فوق چنانچه مقدار دیه، بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است.

ماده ۴۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هرگاه در اثر جنایت واقع شده مجنی علیه یا ولی او مدعی زوال یا نقصان منفعت عضو شود در صورت لوث و عدم دسترسی به کارشناس مورد وثوق و عدم امکان آزمایش و اختبار موجب علم، ادعای مجنی علیه یا ولی او با قسامه به ترتیبی که ذکر شد، اثبات می شود.

ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: ادله اثبات دیه منافع، همان ادله اثبات دیه اعضاء است. در موارد اختلاف میان مرتکب و مجنی علیه در زوال منفعت یا نقصان آن، چنانچه از طریق اختبار و آزمایش، اقرار، بینه، علم قاضی یا قول کارشناس مورد وثوق، زوال یا نقصان منفعت ثابت نشود در صورت تحقق لوث، مجنی علیه می تواند با قسامه به نحوی که در دیه اعضاء مقرر است، دیه را ثابت کند و چنانچه نسبت به بازگشت منفعت زائل یا ناقص شده اختلاف باشد دیه با یک سوگند مجنی علیه ثابت می شود و نیازی به قسامه نیست.

۹. این روایت چنین است: «شیخ طوسی باسناده عن حسین بن سعید، عن محمد بن خالد، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن سالم، قال: کل ما کان فی الانسان اثنان ففیہما الدیه و فی احدثهما نصف الدیه، و ما کان واحداً ففیہ الدیه». (بنگرید به: طوسی، محمد بن حسن. -۱۴۲۰- الخلاف. ج ۵. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ص ۲۵۷).

۱۰. متن: «قيل: لو أصيب بجنايه فتعذر عليه الإنزال ففیہ الدیه، و کذا لو تعذر عليه الاحبال، و کذا لو تعذر عليه الالتذاذ بالجماع، و فی الجميع إشکال، و الأقرب الحکومه، نعم لا یترک الاحتیاط فی انقطاع الجماع أی تكون الجنايه سبباً لانقطاع أصل الجماع و عدم نشر الاله» (بنگرید به: الموسوی الخمينی، روح الله. -۱۳۹۰- تحریر الوسیله. ج ۲. چاپ دوم. نجف: مطبعة الآداب. ص ۵۹۲).

۱۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

سبحانی، جعفر. دیه ذهاب منافع دستگاه تناسلی. درس خارج فقه. قابل دسترس در: <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/91/910919>

(تاریخ مراجعه ۱۹ آذر ۱۳۹۱).

۱۲. مفهوم لوث: «واللوث أماره یظن بها صدق المدعی»: لوث، علامت و نشانه‌ای است که موجب گمان به صدق مدعی می شود. قسامه در صورت لوث ثابت می شود، یعنی در صورتی که مدعی شبه دلیلی بر صحت مدعای خود داشته باشد. (بنگرید به: العاملی، محمد بن مکی. -۱۳۹۰- لمعه دمشقیه. (ترجمه و تبیین: علی شیروانی). ج ۲. چاپ چهلیم. قم: دارالفکر. ص ۲۶۸).

۱۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سبحانی، جعفر. دیه ذهاب قوه شامه و ذائقه. درس خارج فقه. قابل دسترس در:

<http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/91/910915>

(تاریخ مراجعه ۱۵ آذر ۱۳۹۱).

فهرست منابع

ابوعطا، محمد؛ شمس الهی، عطیه. (۱۳۹۰). تحلیل مبنا و ماهیت حقوقی ارش. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی. شماره ۵. سال سوم. ۹-۲۵.

بندرچی، محمدرضا. (۱۳۸۱). یکصد و ده قاعده حقوقی. ماهنامه دادرسی. شماره ۳۶. سال ششم. ۱۲-۱۶.

بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۳). پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی. فصلنامه مدرس علوم انسانی. پیاپی ۳۷. دوره هشتم. ۴۹-۷۲.

جورکویه، محمدعلی. (۱۳۸۵). طرح دیدگاه موافق تنصیف ارش مازاد بر ثلث دیه زنان، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۲. سال هشتم. ۳۰-۴۰.

حاجی‌ده‌آبادی، احمد. (۱۳۸۳). قاعده دیه اعضا در فقه امامیه و اهل سنت. فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۲. سال اول. ۱۳۷-۱۶۸.

رئیس، غلامرضا؛ احدی، طناز. مسایل جنسی پس از آسیب نخاع. قابل دسترس در: <http://rehab.blogfa.com/post/204> (تاریخ مراجعه ۲۴ آبان ۱۳۹۰).

سبحانی، جعفر. دیه ذهاب قوه شامه و ذائقه. درس خارج فقه. قابل دسترس در: <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/91/910915> (تاریخ مراجعه ۱۵ آذر ۱۳۹۱).

سبحانی، جعفر. دیه ذهاب منافع دستگاه تناسلی. درس خارج فقه. قابل دسترس در: <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/91/910919> (تاریخ مراجعه ۱۹ آذر ۱۳۹۱).

سروش، محمدرضا؛ مدیریان، احسان؛ زمانی، حمیدرضا؛ عطاری، سعید. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت ناتوانی جنسی و باروری در جانبازان مبتلا به آسیب نخاعی. مجله طب جانباز. شماره ۱. سال اول. ۲۲-۳۵.

- شیخ‌آزادی، اردشیر؛ ابوالمعصومی، زهرا؛ پارسا، زهرا؛ قادی‌پاشا، امیر. (۱۳۸۷). بررسی نظریات کارشناسی پزشکان قانونی استان تهران در خصوص ۶۲ مورد تعیین ارش و دیه (در سال ۱۳۸۵). مجله علمی پزشکی قانونی. شماره ۱. دوره ۱۴. ۲۲-۳۵.
- صالحی، فاضل. (۱۳۳۲). دیه یا مجازات مالی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- صانعی، یوسف. (۱۳۸۶). مجمع المسائل استفتائات. ج ۱. چاپ نهم. قم: انتشارات میثم تمار.
- صانعی، یوسف. (۱۳۸۶). مجمع المسائل استفتائات. ج ۲. چاپ نهم. قم: انتشارات میثم تمار.
- صفری نژاد، محمدرضا. عملکرد جنسی زنان پس از آسیب به نخاع. قابل‌دسترس در: <http://www.7sib.ir/fa/print/1998> (تاریخ مراجعه ۲۷ تیر ۱۳۹۱).
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ ه.ق). الخلاف. ج ۵. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- العالمی، محمدبن مکی. (۱۳۹۰). لمعه دمشقیه. (ترجمه و تبیین: علی شیروانی). ج ۲. چاپ چهلیم. قم: دارالفکر.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۲۴ ه.ق). کشف اللثام عن قواعد الأحكام. ج ۱۱. چاپ اول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- قوه قضائیه. (۱۳۹۱). استفتائات قضایی. نشریه داخلی قوه قضائیه (مأوی). شماره ۱۰۴۵. سال دهم. ۷.
- گودرزی، فرامرز؛ کیانی، مهرزاد. (۱۳۹۱). پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق. چاپ نهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۶۷). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. ج ۴. چاپ دوم. تهران: استقلال.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن. (۱۳۸۵). طرح دیدگاه مخالف تنصیف ارش مازاد بر ثلث دیه زنان، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۲. سال هشتم. ۱۷-۲۹.
- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه. (۱۳۸۱). مجموعه آرای فقهی- قضایی در امور کیفری. ج ۱. چاپ اول. قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، مرکز تحقیقات فقهی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). استفتائات جدید. (گردآورنده: ابوالقاسم علیان نژادی). ج ۲. قم: مدرسه الامام علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). استفتائات جدید. (گردآورنده: ابوالقاسم علیان نژادی). ج ۳. قم: مدرسه الامام علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام.

الموسوی الخمينی، روح الله. (۱۳۸۶). ترجمه تحریرالوسیله. (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی). ج ۴. چاپ چهارم. قم: انتشارات دارالعلم.
 الموسوی الخمينی، روح الله. (۱۳۹۰). تحریرالوسیله. ج ۲. چاپ دوم. نجف: مطبعه الآداب.
 النجفی، محمد حسن بن باقر. (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. ج ۴۳. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

یادداشت شناسه مؤلفان

فرسیما خامسی پور: دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول)
 نشانی الکترونیک: Farsima.Khamesipour@yahoo.com
آرش قدوسی: استادیار، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، اصفهان، ایران
سید مجید میرحسینی: استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان، گروه حقوق، اصفهان، ایران
مجتبی نیک دوستی: استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه حقوق، اصفهان، ایران

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۲/۶/۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰